

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Reports

گزارشها

بهرام رحمانی
۲۵ مارچ ۲۰۲۳

نهمین جلسه دادگاه استیناف حمید نوری در ستهکلم!

نهمین جلسه دادگاه استیناف سویدن برای بررسی پرونده حمید نوری در ستهکلم، روز چهارشنبه ۲ فروردین ۱۴۰۲ - ۲۲ مارس ۲۰۲۳، برگزار شد!

دادستان نکاتی از شهادت‌های شاکیان مجاهدین خلق محمد زند، مجید صاحب جمع، اصغر مهدیزاده، محمود رویایی، اکبر صمدی و حسین فارسی از اشرف ۳، در مورد قتل عام زندانیان مجاهد و نقش حمید نوری را به اطلاع قضات دادگاه استیناف رساند.

در این جلسه دادگاه، قسمتی از مصاحبه مجاهد خلق محمود رویایی با سیمای آزادی در سال ۱۳۷۸ در مورد نقش حمید نوری در قتل عام پخش شد.

«مجید نوری»، فرزند حمید نوری با انتشار پیامی در توئیتر خود نوشت که امروز چهارشنبه ۲۲ مارس ۲۰۲۳ - ۲ فروردین ۱۴۰۲، ساعت ۹ به وقت محلی سویدن، نهمین جلسه دادگاه تجدیدنظر این شهروند ایرانی برگزار می‌شود. یکی از کسانی که درباره حمید نوری اظهار نظر مضحکی کرده است «حسین شریعتمداری، نماینده خامنه‌ای در روزنامه کیهان است. شریعتمداری شاید از چهره‌های بی‌رحم و خشن جمهوری اسلامی باشد که سال‌هاست مدیریت روزنامه کیهان، این رسانه چماقداران و آدم‌کشان جمهوری اسلامی را به عهده دارد. او همچنین سابقه امنیتی و بازجویی از زندانیان سیاسی به ویژه کیانوری و احسان طبری، رهبران حزب توده را به عهده داشته است. بنابراین، شریعتمداری، «استاد» سناریوسازی و پرونده‌سازی برای مخالفین حکومت‌شان است.

مدیرمسئول روزنامه کیهان با توجه به بازداشت و زندانی کردن «حمید نوری» در سویدن، گفته است: «سویدنی‌ها باید بدانند همان‌گونه که افرادی همچون رهبر گروه تروریستی الاهوایه را به ایران منتقل کرده و مجازات کردیم، همین کار را می‌توانیم با ماموران امنیتی شما انجام دهیم.»

با توجه به روند بازداشت و زندانی کردن این فرد قضایی جمهوری اسلامی و آغاز دادگاه استیناف او از روز چهارشنبه ۲۱ دی‌ماه، خبرنگار ایرنا با «حسین شریعتمداری» مدیرمسئول روزنامه کیهان گفت‌وگویی انجام داد که مشروح آن به شرح زیر است:

سویدن به دنبال انتقام‌گیری است

بر خلاف چیزی که ظاهر قضیه نشان می‌دهد، کاری که دولت سویدن در حال انجام آن است در حقیقت انتقام‌گیری است. انتقام گروه الاهوایه است ... بعداً «حبیب‌الله اسبود» ... است که بعد از مدتی دستگیر شد و او را به ایران آوردند

و محاکمه کردند. او با صراحت اعتراف کرد که دولت سویدن از او حمایت می‌کرد و در سویدن به او دفتر داده بودند و با مامورانی از موساد و برخی کشورهای عربی در تماس بوده و نقشه عملیات تروریستی در ایران را کشیدند و این افراد دقیقاً زیر نظر دولت سویدن فعالیت می‌کردند.

اسیود می‌گوید وقتی سال ۲۰۰۶ از ایران به سویدن رفتم، ماموران سویدنی در فرودگاه به استقبال آمدند و من را با خود بردند و دفتر، جایگاه و محل سکونت که یک مکان مجهز و مدرنی بود را نشان دادند. وی در اعترافاتش می‌گوید در دفتر کارم که دولت سویدن برایم فراهم کرده بود با ماموران امنیتی تماس‌های فراوانی داشتم. حرکت الاهوازیه یک گروه کاملاً مشخص بود و خودشان هم با صراحت اعلام می‌کردند که در اقدامات تروریستی دست داشتند و نمونه کارهای تروریستی‌شان در خوزستان مشخص است.

بعد از این که حبیب‌الله دستگیر شد به شیوه خاصی به ایران منتقل شد؛ راهی که به راحتی می‌شود ماموران دولت سویدن را هم منتقل کرد. آنها باید بدانند که ما این حرکت‌شان را بدون انتقام نمی‌گذاریم و خودشان دیدند، کسانی به ایران منتقل شدند که در دورترین افق ذهنشان هم نمی‌توانستند تصور کنند که چنین اتفاقی برایشان خواهد افتاد.

با دیدن کیفرخواست و موارد جرمی که برای آقای حمید نوری بیان شده است، می‌بینید هیچ‌کدام مبنای حقوقی ندارد. این‌که از ماموران دولت بوده چه عیبی دارد؟ مگر سفرا یا کارمندان کشور سویدن مأموران دولت نیستند؟ باید دستگیرشان کرد به این دلیل که دولت سویدن در عملیات تروریستی دست داشته است؟!

یکی از دلایل‌شان این است که رییس‌جمهور وقت به ایشان پیام تبریک سال نو داده است؛ آقای رییس‌جمهور پیام تبریک عید نوروز را برای میلیون‌ها نفر از مردم ایران فرستاده، بدون این‌که آن‌ها را بشناسد. در هیچ جای دنیا این کار را نمی‌کنند که یک نفر که به گمان خودشان محکوم است را ۳۸ ماه در سلول انفرادی نگه دارند و او را از همه امکانات محروم کنند.

وقتی در دادگاه به این عمل مجرمانه که در همه مبنای حقوقی دنیا آن را جرم می‌دانند انتقاد می‌کند به سرعت رئیس دادگاه او را از دادگاه بیرون می‌کند. همه این‌ها نشان می‌دهد که مسئله آقای نوری یک بهانه بوده و پشت آن، موضوع دیگری است که حمایت گسترده دولت سویدن را از منافقین به دنبال دارد.

رهبر گروه الاهوازیه در اعترافاتش به همراهی و همکاری با منافقین اعتراف می‌کند اما بیش‌تر از همه از ماموران امنیتی موساد و ماموران امنیتی سویدن یاد می‌کند. مشکل این است که طرح و برنامه‌شان با شکست روبه‌رو شده، به‌ویژه این ناکامی برای آنها خیلی گران تمام‌شده چون رهبر این گروه را به ایران آوردیم و مجازات کردیم. سویدنی‌ها باید بدانند که همان‌گونه که این‌ها را آوردیم، می‌توانیم مأموران امنیتی آن‌ها را هم بیاوریم.

دولت سویدن عملیات تروریستی را علیه ایران برنامه‌ریزی کرده بود و به گروه الاهوازیه جا و مکان، امکانات مالی و تسهیلاتی داده بود. سویدن ارسال اسلحه به این گروه را از کشورهای میانی انجام داد چون نمی‌توانست با هواپیمایی که مثلاً از آلمان یا سویدن به ایران می‌آید اسلحه بفرستد و اسلحه را از طریق چند کشور میانی به دست این گروه رساند. سویدن باید بداند ما در مقابل چنین اقداماتی بی‌تفاوت نخواهیم بود.

حمید نوری شهروند ایرانی و کارمند سابق قوه قضائیه که آبان‌ماه ۹۸ به سویدن سفر کرده بود، در زمان ورود به فرودگاه استکلم توسط پلیس این کشور بازداشت شد و از آن زمان تاکنون در زندان انفرادی به‌سر می‌برد. اتهام او براساس ادعاهای گروهک تروریستی منافقین طراحی شده؛ آن‌ها مدعی‌اند نوری در مقطعی، زندانبان منافقین در ایران بوده است. این مبنای محکمه سویدنی قرار گرفته و سبب شده اصل برائت و حق آزادی رفت‌وآمد نوری از سوی

مقام‌های سویدنی نقض‌شده و این تبعه ایرانی بیش از سه سال است در زندان سویدن با محدودیت‌های زیاد مواجه شده و سویدنی‌ها ابتدایی‌ترین حقوق یک انسان را برای حمید نوری رعایت نکرده‌اند.

شایان ذکر است که حبیب اسبود، فعال حزب عرب اهوازی، تحت شدیدترین انواع شکنجه‌ها مجبور به اعترافات اجباری شده است. وی در این اعترافات با طرح اتهاماتی علیه خود و دیگر اعضای حرکه انفصال می‌گوید که در زمانی با سرویس اطلاعاتی عربستان سعودی جلسات متعدد داشته است. حبیب چعب با نسبت دادن مسئولیت چندین حادثه صورت گرفته در اهواز از جمله سرقت بانک صادرات، سرقت از یک شرکت پیمان‌کاری، حمله به رژه نظامی اهواز، اتهاماتی را متوجه خود و دیگر اعضای حرکه انفصال می‌کند.

تلویزیون ایران ویدئوی کوتاهی از اعترافات حبیب اسبود پخش کرده است که طی آن گفته می‌شود او در حمله مرگبار رژه نظامی در اهواز نقش داشته است.

حبیب فرج‌الله چعب ملقب به حبیب اسبود از رهبران گروه «مقاومت ملی الاحواز» است که پس از سفر به ترکیه، از طرف ماموران امنیتی جمهوری اسلامی ایران در این کشور، ربوده شده و به ایران انتقال داده شده است.

شبکه خبر ایران روز چهارشنبه ۱۱ نوامبر ۲۰۲۰ بخشی از اعترافات اجباری حبیب فرج‌الله کعب رییس پیشین حرکه النضال العربی لتحریر الأهواز را پخش کرد؛ اعترافات که پیش از این سازمان گزارشگران بدون مرز آن را «جنایت علیه بشریت» توصیف کرده بود.

در اعترافات اجباری که فعالان اهوازی به العربیه گفتند تحت شکنجه از حبیب فرج‌الله کعب معروف به «حبیب اسبود» گرفته شده او مسئولیت چندین حمله صورت گرفته در ایران را بر عهده گرفت و مدعی ارتباط با سازمان‌های اطلاعاتی برخی کشورهای منطقه شد.

چندین مشخص نیست که او چرا به ترکیه رفته و تحت چه شرایطی از ترکیه به ایران منتقل شده است.

در آن‌چه تلویزیون ایران پخش کرده حبیب اسبود کت و شلوار به تن دارد. بخش‌هایی از فیلم‌برداری از او در مکانی است که شبیه به زندان و بازداشتگاه رسمی نیست.

تلویزیون ایران بارها اعترافات اجباری مخالفان و منتقدان را پخش کرده است که آنها را در حال بیان مطالبی علیه خودشان نشان می‌دهد.

در موارد متعدد فاش شده که این اعترافات تحت شکنجه گرفته شده و فرد بازداشتی با همکاری کارمندان صداوسیما و بازجویان و مقام‌های امنیتی و قضایی وادار به بیان موضوعات خلاف واقع شده است.

حبیب اسبود در اعترافاتی که از او پخش شده خود را «مسئول جنبش حرکت نضال» معرفی می‌کند. اسبود، در اعترافاتی که هیچ‌کس قادر به تایید صحت‌شان نیست، می‌گوید که خود یا دیگر اعضای سازمانش در مقطعی با سرویس اطلاعاتی عربستان «جلسات متعدد» داشته است.

کمیته اجرایی یک گروه استقلال‌طلب اهواز به‌نام «جنبش مبارزه عربی آزادی‌بخش الاحواز» روز جمعه ۳۰ اکتبر ۲۰۲۰ با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد، ایران حبیب فرج‌الله چعب معروف به «حبیب اسبود» رهبر پیشین این جنبش را در ترکیه ربوده است.

النضال در بیانیه خود ایران را متهم کرده که با همکاری یک کشور ثالث حبیب اسبود را به ترکیه کشانده و از آن‌جا ربوده است.

برخی منابع اهوازی این کشور ثالث را قطر معرفی کرده‌اند و برخی نیز گفته‌اند که آنکارا اسبود را در مقابل دو رهبر پ.ک.ک به تهران تحویل داده است اما هیچ منبع مستقلی این اطلاعات را تاکنون تایید نکرده است.

ناصر عزیز مدیر دفتر رسانه‌ای جنبش عربی آزادیبخش الاحوال به العربیه گفت: «اعترافات صورت گرفته از سوی حبیب اسیود هیچ ارزش قانونی ندارد، زیرا که به وضوح تحت شکنجه و به اجبار از او اخذ شده‌اند. بررسی ساده عکس‌های پیش و پس از ربوده شدن، آثار شکنجه و خستگی را به وضوح روی صورت آقای اسیود نشان می‌دهد.»

او در ادامه هدف از این اعترافات را بخشی از سناریوی ایران برای اعمال فشار به کشورهای اروپایی برای تحویل دادن دیگر چهره‌های اهوازی توصیف کرد و گفت که در حال حاضر رئیس سابق و چند عضو سرشناس این حزب «به دلایل واهی» در زندان‌های دانمارک و سوئد به سر می‌برند و ایران با مجبور کردن حبیب اسیود به اعتراف کردن به دست داشتن این افراد در «عملیات تروریستی» می‌کوشد مقدمات فرستاده شدن آنها به ایران را فراهم کند.

این اولین بار نیست که تلویزیون ایران اعترافات اجباری متهمان را پخش می‌کند. پخش اعترافات اجباری در تلویزیون ایران هم سابقه‌ای طولانی دارد و محدود به فعالان سیاسی نبوده و گروه‌های مختلفی از زنان و مردان با طیف گسترده‌ای از اتهامات زیر شکنجه اعتراف کرده و ناچار به حضور در تلویزیون ایران شده‌اند.

حبیب فرج‌الله کعب، شهروند سابق خوزستان و تبعه سوئد در مقابل دوربین خبرنگاران «شبکه خبر» صداوسیما بر علیه خود حرف زد.

حبیب اسیود در این ویدیو چند دقیقه‌ای، با دو ظاهر و در صحنه‌های متفاوت نشان داده شد. در چند تصویر، او با کت سرمه‌ای رنگی در پس زمینه‌ای تاریک قرار داشت و در تصاویر دیگر، در حالی که روی صندلی، پشت به پرده‌های کرم رنگی که تداعی‌کننده سالن پذیرایی است، نشسته بود، علیه خودش صحبت کرد.

راوی این ویدیو می‌گوید اسیود که در حال برنامه‌ریزی برای یک حمله تروریستی جدید بوده، در دامن «سربازان امام زمان» گرفتار شده و اکنون در «دستان پرتوان اطلاعات» است.

پس از این گفته، تصویر سینمایی از حبیب اسیود پخش می‌شود. او در حالی که با کت سرمه‌ای رنگ روی صندلی نشسته است، چشم‌پند سیاه خود را با آهی بلند از روی چشمانش برمی‌دارد.

گوینده این ویدیو همچنین می‌گوید حبیب اسیود و گروهش با سرویس‌های اطلاعاتی عربستان و رژیم صهیونیستی در ارتباط بوده‌اند. اسیود در مقابل دوربین و پشت به پرده‌های کرم رنگ، از چند نفر دیگر به عنوان همکارانش نام می‌برد که با هم در حمله شهریور ۱۳۹۷ در اهواز دست داشته‌اند. او همین طور می‌گوید که در سرقت از یک شرکت پیمان‌کاری و دزدی مسلحانه از «بانک صادرات» هم نقش داشته است.

حبیب‌الله فرج کعب متاهل و دارای یک دختر و سه پسر است که همگی آن‌ها در سوئد زندگی می‌کنند.

اما اعترافات اجباری از ایرانیان و پخش آن از سوی صداوسیما قدمتی به اندازه خود جمهوری اسلامی دارد. طی این سال‌ها، اعترافات اجباری شهروندان زیادی از سوی صداوسیما پخش شده است؛ از جمله «احمدرضا جلالی»، پژوهش‌گر مقیم سوئد که با اتهام «جاسوسی» به اعدام محکوم است و «مازیار ابراهیمی» که در سال ۱۳۹۱ به همراه ۱۲ نفر دیگر در مستند «کلپ ترور» مجبور به اعتراف به جاسوسی شد تا جوانان سازنده کلیپ آهنگ «هپی» و نیز «مائده هژبری»، رقصنده نوجوان و یا زنی که در اعتراضات آبان ماه ۱۳۹۸ بازداشت شد.

گزارش‌هایی نیز حاوی ضبط اعترافات پخش نشده از «نیلوفر بیانی»، یکی از فعالان محیط زیست بازداشت شده، «مریم ممبینی»، همسر «سید کاووس امامی» و بسیاری دیگر منتشر شده است.

همچنین سه روزنامه‌نگار در مهر ۱۳۸۳ در پرونده معروف به «وبلاگ‌نویسان» بازداشت و در نهایت، با فشار «سعید مرتضوی»، دادستان وقت تهران مجبور به اعتراف در مقابل خبرنگاران صداوسیما شدند. بخشی از آن اعترافات همان شب از سوی صداوسیما پخش و با انتقاد بسیاری از مردم مواجه شد.

اعتراف اجباری پرسروصدای دیگر، مربوط به «روح‌الله زم»، بنیان‌گذار سایت و کانال تلگرامی «آمدنیوز» است که «علی رضوانی»، خبرنگار صداوسیما در نقش بازجو با او گفت‌وگو کرد.

در شهریور ماه امسال نیز خواهر «علی یونسی»، دانشجوی نخبه زندانی در توپیتزش خبر داده بود که ماموران امنیتی برادرش را تحت فشار برای اعتراف تلویزیونی قرار داده‌اند تا به این شکل به جای اعدام، با یک درجه ارفاق، به حبس ابد محکوم شود.

«آیدا یونسی» در آن توبیت نوشته بود به برادرش گفته‌اند: «با اعتراف تلویزیونی، اتهامات رو قبول کن تا اعدامت رو بکنیم حبس ابد. بعد از ۵ ماه بازداشت، شکنجه، انفرادی و بازجویی عمومی، ۳ هفته است که با تهدید و فشار اصرار بر مصاحبه تلویزیونی دارند.»

محمدعلی عمویی، یکی از اعضای برجسته حزب توده، در سال ۱۳۶۱ دستگیر شد و از خیانت‌های حزب توده گفت. نورالدین کیانوری نیز، از رهبران حزب توده، و برخی دیگر از اعضای حزب توده، در اعتراضات تلویزیونی ضبط شده در زندان که از تلویزیون ایران پخش شد، یک به یک به جاسوسی برای شوروی اعتراف کردند. کیانوری، اظهار داشت که «حزب توده از آغاز تاسیس در ۱۳۲۰ تا به حال، ابزاری برای جاسوسی و خیانت بوده‌است. کیانوری در سال ۱۳۶۸، در نامه‌ای به سیدعلی خامنه‌ای در خصوص شکنجه‌های زندانیان نوشت و در آن نامه گفت که برای اعتراف به اتهام دروغین به همراه سایر رهبران حزب به شدت شکنجه شده و همسرش مریم فیروز و همین‌طور افسانه دخترش را شلاق زده و در مقابل چشمانش از سقف آویزان نموده‌اند. محمدعلی نیز می‌گوید که پیش از انقلاب، ۲۳ سال زندانی بوده و حاضر نشده بوده که برگه اعترافات را امضا کند. اما در سال ۱۳۶۱ دستگیر شد و پس از چند هفته مقابل دوربین اعتراف کرد، او داستان اعتراف‌گیری خود را اینگونه روایت می‌کند: «دستانم را بستند و از یک حلقه من را آویختند. نوک پنجه‌هایم روی زمین بود. انگار تکتک جوارح بدنم بیرون کشیده می‌شد. مثل پاندول تکانم می‌دادند تا این‌که ایست قلبی کردم.» آن‌طور که او می‌گوید، بازجوها از او می‌خواستند رابطه سیاسی خود را با همسر خمینی فاش کند: «وقتی اولین بار من را به تخت بستند که کابل بزنند، هر دو بازجویم دست به سوی آسمان بالا بردند و گفتند بار الها! برای عظمت اسلام می‌زنیم. در لابه‌لای زدن‌ها، وقتی به نهایت ضعف رسیدم، بازجو گفت مصاحبه می‌کنی؟ پذیرفتم.» عمویی می‌گوید از آنجایی که بازجوها عجله دارند زود به نتیجه برسند، در همان حالت پاندول، «شلاق را برمی‌دارند درست مثل یک لاشه گوسفند که در قصابی آویخته‌است»، با شلاق می‌زنند. وی در بخشی از خاطراتش می‌گوید بازجوها ورزیده کار می‌کردند و فنی شکنجه می‌دادند و نهایت ابتکار را به کار می‌بردند تا خشونت در حد اعلا باشد ولی قربانی زیر شکنجه نمیرد. با این حال او از بیش از ۱۰ تن از هم حزبی‌هایش یاد می‌کند که پیش از دادگاه و در جریان بازجویی، زیر شکنجه جان سپردند: محسن علوی، علی شناسایی، رضا شلتوکی، گاکیک آوانسیان، تقی کی منش، حیدر مهرگان (رحمان هاتقی)، غلامحسین قناعتی، حسن قزلچی، حسین‌پور و غیره. احسان طبری نیز در اعترافات تلویزیونی که ماه‌ها پس از دستگیری او از تلویزیون نمایش داده‌شد، اعلام کرد که در اثر مطالعه کتاب‌های علامه طباطبایی و مرتضی مطهری به اسلام گرویده است و به جوانان توصیه کرد به جای مارکس، آثار مطهری را بخوانند. در همین دوران کتابی به نام «کژراهِ» به نام او منتشر شد. احسان طبری همچنین کتابی به نام «شناخت و سنجش مارکسیسم» نوشت. او در صفحه اول آن با اشاره به نقش «بازجو» می‌نویسد: «اکنون با راهنمایی‌های بازجوی عزیزم! به دین اسلام گرویده‌ام.»

در جریان اعدام‌های سال ۱۳۵۷، به گفته مجریان آن، تاکید روی توبه زندانیان بوده. به عنوان مثال، در مورد مجاهدین سؤال مشخص «آیا حاضر به معرفی یاران سابق خود در برابر دوربین هستید؟» و در مورد چپ گرایان، «آیا

حاضرید علنی ماتریالیسم تاریخی را نفی کنید؟» و «آیا حاضر به نفی اعتقاد گذشته‌تان در مقابل دوربین هستید؟» پرسیده شده است. برخی از زندانیان زن این دوران نیز، از تهدید مقامات زندان به تجاوز به دختران باکره قبل از اعدام گفته‌اند. پس از بروز اختلافات و اعتراض عامدانه حسن‌علی منتظری نایب امام، به اعدام زندانیان سیاسی تابستان ۶۷، منتظری با نوشتن نامه‌ای خطاب به خمینی نسبت به اعدام‌های گسترده و شکنجه‌های جنسی در زندان‌های ایران اعتراض کرده بود. منتظری در قسمت‌هایی از این نامه می‌گوید:

آیا می‌دانید جنایاتی در زندان‌های جمهوری اسلامی به‌نام اسلام در حال وقوعند که شبیه آن در رژیم منحوس شاه هرگز دیده نشد؟ آیا می‌دانید که تعداد زیادی از زندانی‌ها تحت شکنجه توسط بازجویانشان کشته شده‌اند؟ آیا می‌دانید که در زندان (شهر) مشهد، حدود ۲۵ دختر به‌خاطر آنچه بر آن‌ها گذشت، مجبور به درآوردن تخمدان یا رحم شدند؟ آیا می‌دانید که در برخی زندان‌های جمهوری اسلامی، دختران جوان به زور مورد تجاوز قرار می‌گیرند؟

در مقابل روح‌الله خمینی، بنیان‌گذار و رهبر وقت جمهوری اسلامی منتظری را فریب خورده رادیوهای بیگانه و افراد ناصالح می‌داند و تاکید می‌کند که حرف‌های اشتباه او خدمت ارزنده‌ای به استکبار کرده است. مسئولان دیگر جمهوری اسلامی نیز، شکنجه مخالفان را در این دوران نفی می‌کنند و این را اتهام گروه‌های ضدانقلاب، فریب خورده و معاند به ذات مقدس جمهوری اسلامی می‌دانند. در برخی موارد هم، آن‌ها آثار شکنجه‌ها را خودزنی خود زندانیان برای اتهام به نظام می‌دانند.

شامگاه شنبه ۲۹ دی‌ماه برنامه تلویزیونی بیست و سی با پخش گزارشی به‌نام «طراحی سوخته» به انتشار اوراق بازجویی تعدادی از دستگیرشدگان اعتراضات کارگری خوزستان، از جمله سپیده قلیان و اسماعیل بخشی، و «اعترافات» آن‌ها علیه خودشان پرداخت. در این گزارش با طرح اتهامات امنیتی علیه بازداشت‌شدگان، آن‌ها وابسته به گروه‌های کمونیستی و برانداز خارج از کشور خوانده شده‌اند که سعی در ایجاد تشکلهای مستقل کارگری داشته‌اند. بسیاری از این زندانیان پس از آزادی تاکید کرده‌اند که برای ضبط اعترافاتشان جلوی دوربین مورد شکنجه نیروهای امنیتی قرار گرفته‌اند. قسمتی از این گزارش مسئله شکنجه اسماعیل بخشی در دوران بازداشت نیز بار دیگر از سوی مقامات دولتی و امنیتی کتمان شده است.

در آن روزها، قلیان در توییتری گفته بود که «روز آخر بازجو می‌گفت اگر بیرون بروی و دهانت را باز کنی همین ادعاها و اعترافات اجباری تو و اسماعیل بخشی را را در اخبار بیست و سی هم پخش خواهیم کرد و پودرتان خواهیم کرد.»

سپیده قلیان هم با انتشار توییتری به پخش این گزارش واکنش نشان داد:

من و اسماعیل بخشی که سهل است، پنج هزار کارگر هفت‌تپه را هم جلوی دوربین بنشانید و از آن‌ها به زور کابل و باتوم اعتراف اجباری بگیرید باز هم چیزی از اصل داستان این‌که شما ستم‌گر و فاسد هستید کم نخواهد کرد.

سپس سپیده قلیان طی یادداشتی در صفحه شخصی خود با اعلام شکایت رسمی از یکی از مجریان برنامه تلویزیونی بیست و سی گفت که «در مراحل تولید طراحی سوخته، آمنه‌سادات ذبیح‌پور در اتاق بازجویی حضور داشت تا پس از ساعت‌ها شکنجه جسمی و روحی، متنی را که از قبل آماده کرده بود، برای خواندن در مقابل دوربین در اختیار ما قرار دهد.»

اخیرا سپیده قلیان، ساعتی پس از آزادی از زندان اوین دوباره بازداشت شد. قلیان، در حالی که از زندان خارج شده بود با صدای بلند شعار داد «خامنه ای ضحاک، می‌کشیمت زیر خاک.»

وی بعد از آزادی از زندان، در اینستاگرام نوشت «بعد از ۴ سال و ۷ ماه از پرونده هفت‌تپه آزاد شدم. این‌بار به امید آزادی ایران اومدم بیرون. به امید آزادی خیلی زود عزیزانم سپیده کاشانی، نیلوفر بیانی، زهرا زمتابچی، بهاره هدایت، گلرخ ایرایی، ناهید تقوی و همه زندانیان سیاسی...»

بنابه گزارش‌ها، قلیان به‌همراه خانواده قصد داشتند به دزفول بروند که در مسیر جاده قم - اراک، چند ماشین نیروهای امنیتی آن‌ها را متوقف کردند و این فعال مدنی را بازداشت کردند.

بنابر گزارش‌ها چند شهروند عادی که در حال فیلم گرفتن از صحنه بازداشت خانم قلیان بودند نیز بازداشت شدند. به خانواده سپیده قلیان گفته شده برای پیگیری به دادسرای اوین مراجعه کنند.

محسن برهانی، حقوقدان و استاد دانشگاه تهران در توئیتر در واکنش به بازداشت خانم قلیان نوشته «دستگیری سپیده قلیان تنها ساعتی بعد از آزادی و پیش از رسیدن به مقصد با کدام ماده قانونی منطبق است؟»

برهانی با بیان این‌که «رهبری سفارش کرده کسی به‌خاطر توهین به ایشان بازداشت نشود» به روند بازداشت خانم قلیان اعتراض کرده و نوشته «ظاهراً محل ارتکاب جرم، تهران و محل دستگیری جاده قم-اراک؛ نیابت صادر و اجرا شد؟»

براساس ماده ۵۱۴ قانون مجازات اسلامی برای توهین اهانت به آیت‌الله خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای از شش ماه تا دو سال زندان در نظر گرفته شده است.

سپیده قلیان از محکومان پرونده اعتراضات نیشکر هفت‌تپه خوزستان بود که تا کنون بارها بازداشت شده و دوران حبسش را در زندان‌های مختلف ایران گذرانده است.

او در مجموع به ۱۹ سال و شش ماه زندان محکوم شده بود که بعدها اعلام شد پنج سال آن قابل اجرا خواهد بود.

خانم قلیان گفته بود که حاضر به نوشتن عفونامه نیست چون خودش را «گناهکار» نمی‌داند.

وی همچنین بارها تقاضای انتقال به زندان محل زندگی پدر و مادرش کرده بود و شهریور ماه امسال در اعتراض عدم رسیدگی به درخواستش دست به اعتصاب غذا زد.

سپیده قلیان، یکی از صدها هزار جوان جسور و خوش‌فکر و قدرتمندی است که هم تجربه سازمان‌دهی اعتراضات و اعتصابات و هم زندان را دارد یکی از برجسته‌ترین نمونه‌های زنان جوانی است که قادرند به‌خوبی انقلاب «زن، زندگی، آزادی» را رهبری کنند و می‌کنند!

حسین شریعتمداری، از سال ۱۳۷۲ با حکم سیدعلی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی ایران، به‌عنوان مدیر مسئول روزنامه کیهان و نماینده ولی‌فقیه در موسسه کیهان فعالیت می‌کند. مجله نیوزویک در سال ۲۰۰۹، او را در رتبه هفدهم ۲۰ شخص پرنفوذ حکومت ایران قرار داد.

او یکبار در پاسخ پرسشی، بازجویی در جمهوری اسلامی را باعث افتخار خود دانسته بود. دولت کانادا در روز پنج‌شنبه ۲۱ مهر ۱۴۰۱، شریعتمداری را به‌دلیل نقض حقوق بشر، تحریم کرد.

شریعتمداری بعد از انقلاب ۱۳۵۷، جزء فرماندهان سپاه پاسداران جمهوری اسلامی در جنگ ایران و عراق بوده و او جانباز جنگ است. همچنین او در دوران وزارت علی فلاحیان در وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی، مسئول بخش معاونت اجتماعی وزارت اطلاعات بود.

آنچه بیش از همه در مورد سابقه حسین شریعتمداری گفته می‌شود، سابقه فعالیت او به‌عنوان بازجوی وزارت اطلاعات با نام «برادر حسین» و نقش او در تحت فشار قراردادن و سرکوب زندانیان سیاسی مخالف حکومت است.

او در مقاله‌ای در تاریخ ۵ دی ۱۳۷۸ روزنامه کیهان که خود مدیر مسئول آن بود نوشت:

«دعوت از اینجانب برای بحث و گفت‌وگو با زندانیان گروهکی از جانب حجت‌الاسلام مجید انصاری صورت گرفته بود... آن هنگام را اینجانب جزو پربرکت‌ترین ایام عمر خود می‌دانم که بر اثر آن تعداد قابل توجهی از عناصر گروهکی بریده از انقلاب و مردم به آغوش انقلاب و ملت بازگشتند.

او به همراه سعید امامی از سازندگان برنامه تلویزیونی «هویت» در سال ۱۳۷۵ بود که خود تایید همکاری نزدیک او با نهادهای امنیتی در سرکوب مخالفان جمهوری اسلامی ایران در سطوح مختلف است. برنامه هویت در چندین قسمت از صدا و سیما جمهوری اسلامی پخش شد. در این برنامه روشنفکرانی چون عبدالحسین زرین‌کوی و هوشنگ گلشیری و بسیاری دیگر، وابسته به بیگانگان و خائن به کشور معرفی شدند.

خبرنگار روزنامه کیهان در سال ۱۳۸۲، مصاحبه‌ای با اکبر هاشمی رفسنجانی با در مورد هشت سال دوره ریاست جمهوری‌اش انجام داده است. در آن مصاحبه با اشاره به برنامه هویت و نقش حسین شریعتمداری گفته می‌شود.

«... خبرنگار روزنامه کیهان: ضمن می‌گویند آقای سحابی از شما قول گرفته بود اعترافاتی که کرده، از تلویزیون پخش نشود؛ ولی در برنامه هویت پخش شد. در مورد این دو شبهه توضیح بفرمایید؟

اکبر هاشمی رفسنجانی، از خود سلب مسئولیت می‌کند و می‌گوید: اولاً از من قولی نگرفته‌بود. اصلاً از اعترافات ایشان اطلاعی نداشتم که قولی بدهم. آقای سحابی هم رفیق من بود. ما در دوران مبارزه هم پرونده و با هم در زندان بودیم. بعد از پیروزی هم در شورای انقلاب بود. همیشه با هم بودیم و اختلافی نداشتیم. گروهی را هم که وزارت اطلاعات گرفتند، بدون اطلاع من گرفتند. گویا حدود ۹۰ نفر را گرفتند. من اصلاً با این‌طور چیزها مخالف بودم. منتها وزارت اطلاعات از این کارها می‌کرد... برنامه هویت را از تلویزیون دیدیم و اصلاً خبر نداشتیم. شما از آقای شریعتمداری بپرسید که چه کسی به او گفته که آن برنامه را بسازد.»

کسانی که در برنامه هویت علیه خود و همفکرانشان اعتراف کردند و این اعترافات در برنامه تلویزیونی هویت پخش شد، پس از آزادی علناً اعلام کردند اعترافات تحت فشار بازجویی بوده است.

حسین شریعتمداری در سرمقاله روزنامه کیهان، طی نوشتاری مدعی شد: «تردیدی نیست که عاملان این جنایت را بایستی در میان دوستان و آشنایان فروهر که با او و خانواده‌اش رفت‌وآمد داشته‌اند، جست‌وجو کرد؛ و اما دوستان فروهر چه کسانی بوده‌اند؟ آیا غیر از این است که بسیاری از دوستان و آشنایان فروهر، افراد وابسته به جریان‌های مخالف نظام، عناصر ضدانقلاب، خبرنگاران رادیوها و رسانه‌های بیگانه و امثال آن‌ها بوده‌اند؟ ... بنابراین ساده‌اندیشی است که رابطه قاتل یا قاتلان با سرویس‌های جاسوسی آمریکا و دنباله‌های داخلی آن‌ها کشف نشده باقی بماند.»

شریعتمداری در آذر ۱۳۹۳، مدعی شد: بر اساس مدارکی که وی در اختیار دارد، ایده اولیه اجرای تحریم‌های علیه ایران را سران فتنه به آمریکا پیشنهاد داده‌اند.»

البته ناگفته نماند امثال شریعتمداری‌ها در جمهوری اسلامی ایران، کم نیستند. افراد و همه نهادهای دولتی که در حاکمیت ۴۴ ساله جمهوری اسلامی، تنها هنرشان سازمان‌دهی جنگ، سرکوب، سانسور، شکنجه، تجاوز، اعدام، تروریسم، غارت اموال عمومی مردم و سرکوب سیستماتیک مخالفان، به‌ویژه زنان بوده و تمام کارنامه ۴۴ ساله‌شان، جنایت علیه بشریت است.

به‌همین دلیل، امروز در جامعه ما، انقلاب «زن، زندگی، آزادی» در جریان است و تا روزی که بساط خونین جمهوری اسلامی و به‌طور کلی دستگاه مخوف و مفت‌خور و متجاوز روحانیت و مردسالاری را از سر راه مردم ایران بر ندارد و یک جامعه شایسته انسانی آزاد و برابر و مرفه نسازد، خاموش نخواهد شد!

دادگاه تجدید نظر حمید نوری، دادیار اسبق قوه قضاییه جمهوری اسلامی ایران که از سوی دادگاه سویدن به دلیل ارتکاب «جنایت علیه بشریت» و مشارکت در اعدام‌های سال ۱۳۶۷ به حبس ابد محکوم شده بود از روز چهارشنبه ۱۱ ژانویه ۲۰۲۳، در ستهلم آغاز شده است.

نوری در طول دادگاه ۹ ماهه خود در سال گذشته اتهامات خود را انکار کرد و ایران دادگاه را «نمایش» بر اساس انگیزه‌های سیاسی عنوان کرد.

نوری در ابتدای جلسه روز ۱۱ ژانویه دادگاه، اصرار به سخن گفتن داشت اما قاضی دادگاه از او خواست صبر کند تا زمان دفاع فرا برسد. با این حال، نوری بدون توجه به درخواست قاضی از شرایط زندان و مشکلات بینایی خود شکایت کرد و چندین عینک را برای قاضی تکان داد. او پس از تذکرهای فراوان به بیرون از جلسه دادگاه هدایت شد. این اتفاق در دو نوبت اتفاق افتاد که هر دو بار وی به اتاق مجاور داده منتقل شد.

حمید نوری قبل از خروج از دادگاه، ادعا کرد: «آقای قاضی، بگذارید عدالت در دادگاه شما برقرار شود. دسترسی به چشم پزشکی ندارم و به همین دلیل توانایی مطالعه مدارک پرونده را ندارم. ۳ سال و ۲ ماه است که در انفرادی هستم؛ شما اعلام کردید که محدودیت‌ها برای من به پایان رسیده اما هنوز تماس‌های من قطع است.» وی بارها در این دادگاه فریاد زد که «این دادگاه فرمایشی» است.

دادگاه استیناف حمید نوری برای ۱۳ جلسه برنامه‌ریزی و آخرین جلسه آن برای اواخر خرداد ماه پیش‌بینی شده است. دادستان‌های سویدنی و وکلای نوری، پرونده این مقام امنیتی و قضایی جمهوری اسلامی را بازخوانی می‌کنند. دادگاه تجدیدنظر حمید نوری در دادگاه منطقه‌ای پلیس «سولنتونا» در نزدیکی محل بازداشت فعلی «حمید نوری» برگزار می‌شود.

حمید نوری، ۶۱ ساله به اتهام دست داشتن در کشتار و اعدام زندانیان سیاسی ۱۳۶۷ در سویدن بازداشت و طی ۹۲ جلسه که حدود ۹ ماه طول کشید، محاکمه گردید. این برای اولین بار است که یکی از متهمان پرونده قتل‌عام زندانیان سیاسی در سه دهه پیش در ایران دادگاهی و محکوم می‌شود. به گفته دادستانی سویدن، حمید نوری در تابستان سال ۶۷ در اعدام دست‌کم ۴ هزار مخالف سیاسی ایرانی مشارکت داشته است. شاهدان می‌گویند حمید نوری با نام مستعار «عباسی» در آن زمان معاون دادستان زندان گوهردشت کرج بوده است.

او در نوامبر ۲۰۱۹-۱۸ آبان ماه سال ۱۳۹۸، زمانی که به دلایل شخصی به سویدن سفر کرده بود، به ظن مشارکت در کشتار زندانیان مجاهدین خلق و سازمان‌ها و احزاب کمونیست و چپ در تابستان ۱۳۶۷، بازداشت شد. اکنون بیش از ۴۰ ماه است که حمید نوری در بازداشت انفرادی در سویدن بهسر می‌برد.